

مصونیت اقتصادی زن در نظام حقوقی اسلام

مریم رضائی^۱

چکیده:

یکی از راههای درک حقوق زن، واژه شناسی تحلیلی خانواده در متون دینی و شناخت ویژگی‌ها و کارکردهای خانواده است. استفاده از شیوه تحلیل حجم و مدل کاربرد واژه‌ها در موضوعات اجتماعی، در یافتن جهت گیری کلان دولت‌ها و تحلیل رویکرد آنها در صحنه رقابت از طریق به دست آوردن حجم واژه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در یک موضوع در اسناد بالادستی کاربرد دارد. مهمترین مصدر تشریح قوانین اجتماعی اسلام در جهت گیرهای کلان و بیان رویکردها قرآن کریم است. آموزه‌های وحیانی سنت جاهلی رازدوده و با شخصیت دادن به زن و تحول در نگاه معرفتی به وی تحول اساسی به وجود آورده است. یکی از اصول حاکم بر خانواده اصل استقلال اقتصادی زن است بر اساس این اصل زن اهلیت داشتن حقوق و استیفای آنها را دارد. منشأ حقوق و مالکیت ممکن است بر اساس قرارداد اسباب خارج از قرارداد مانند ارث، اسباب ضمان قهری یا به موجب حکم قانون و ناشی از نهاد های قانونی مانند مهر و نفقه باشد. همان‌طور که زن اهلیت داشتن حقوق و مالکیت را دارد اهلیت استیفای حقوق و تصرفات را در اموال خود دارد بین اهلیت و حق تصرف در اموال را آزادی اقتصادی زن در خانواده می‌نامند. قانونگذار در نظام حقوقی اسلام مسئولیت‌های مالی و اقتصادی خانواده و اعضای آن را در غالب موارد به عهده شوهر قرار داده و برای زن در این زمینه مسئولیتی مقرر نکرده است به تعبیری در مسئولیت اقتصادی به زن مصونیت حقوقی بخشیده و با اراده حکیمانه خود و با توجه به مقاصد خانواده و نقش زن در فعلیت بخشیدن به آن مقاصد نوعی تکریم را در حق وی نموده است.

واژگان کلیدی: مصونیت، زن، خانواده، مسئولیت مالی، حقوق خانواده.

^۱ مدرس حوزه و دانشگاه، پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضاییه rezaei_1@yahoo.com

خانواده قدیمی ترین و مهمترین گروه اجتماعی واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. زن و مرد بر اساس قواعد حقوقی و با رعایت احکام اخلاقی، این نهاد را تشکیل می دهند از روی مودت و رحمت در این کانون آرامش میگیرند نسل فردا و آینده سازان در این محیط زاده می شوند و توسط پدر و مادر با همکاری دولت و جامعه پرورش می یابند عقیده، آرمان، اخلاق تربیت و حقوق در کنار هم و به صورت هم عرض و هم زمان این مجموعه را سامان می دهند از قداست آن پاسداری میکنند و در استواری روابط خانوادگی تلاش می نمایند. امتیازات اقتصادی بخشی از حقوق زن در خانواده است این حقوق دارای ارزش اقتصادی است برخی از امتیازات اقتصادی حقوق ناشی از مصالحی است که قانونگذار برای زن در محیط خانواده مقرر کرده است. نظام حقوقی اسلام در حوزه خانواده استقلال مالی زن را پذیرفته و حق استقلال اقتصادی وی را به رسمیت شناخته است؛ از این رو زن دارای حقی با عنوان حق مصونیت زن از دخالت های شوهر گردیده و به این ترتیب ولایت اقتصادی شوهر بر زن منتفی شده است چنین حقی از نظر تاریخی و با مقایسه نظام های حقوقی با یکدیگر قابل فهم است. مبنای مشروعیت این مصونیت ها اراده حکیمانه قانونگذار است که با توجه به مقاصد خانواده و میزان نقش زن و شوهر در آن در قالب قواعد و مقررات نمایان شده است.

رویکردهای نظام حقوق خانواده

ترسیم و فهم حقوق زن نسبت به خانواده و حقوق زن در خانواده بدون شناخت نگرشهای کلی به خانواده دشوار است؛ زیرا نگرش به خانواده در طول تاریخ یکسان نبوده است گاه نگرشها به حدی منفی بوده است که سیاست انحلال خانواده دنبال شده و گاه نگرش چنان مثبت بوده است که انحلال آن به موجب طلاق نیز پذیرفته نشده است؛ همچنین نگرشها به اعضای خانواده نیز دارای اهمیت است پررنگ کردن نقش شوهر و پدر و یا نقش همسر و مادر و یا نقش کودک هر یک در ترسیم حقوق و وظایف اعضای خانواده آثار مستقیم دارد.

گفتار اول: رویکردها به ذات خانواده

توجه به ذات خانواده سابقه‌ای دیرین دارد خانواده ستیزان در صدد اضمحلال خانواده بوده اند و ارزش مداران با نگاههای مختلف خانواده را تقدیس نموده اند. در دو مبحث آینده این دو گرایش را مرور خواهیم کرد

مبحث اول: رویکرد خانواده ستیزی

گاه به خانواده نگاهی ابزار گرایانه می‌شود. بر اساس این نگاه، برای درک درست خانواده به پیامدهای آن توجه می‌شود. یکی از رویکردهای ابزار گرایانه به خانواده رویکرد خانواده ستیزی است. خانواده در این رویکرد محیط ظلم و ستم قلمداد می‌شود و برای نجات جامعه، اضمحلال خانواده پیشنهاد می‌شود برخی پا را از این فراتر می‌نهند و اصلی ترین عامل بدبختی و تبعیض زنان و دختران را کانون خانواده می‌دانند و کنار گذاشتن روابط خانوادگی را تنها راه استقلال فکری و شخص زنان معرفی می‌نمایند. (دولتی/۱۴۸)

این رویکرد در تاریخ پیشینه‌ای بلند دارد. شاید از اولین کسانی که طرح اضمحلال خانواده را برای اعتلای جامعه مطرح کرده است افلاطون در کتاب جمهور است. وی در کتاب پنجم با بحث از اشتراک اموال و خانواده، مباحث خود را آغاز می‌کند و با بررسی حکومت فیلسوفان بحث خود را پایان می‌دهد. وی با استناد به گفته سقراط که در میان نگهبانان، زن و فرزند باید مشترک باشند، توضیح می‌دهد که در انتخاب نگهبانان میان زن و مرد نباید تفاوت گذاشت. همچنان که در میان حیوانات به خصوص سگهای گله، تفاوتی میان نر و ماده نیست؛ پس قواعد تعلیم و تربیت هر دو جنس باید یکسان باشد و پس از تربیت، بهترین آنها به نگهبانی شهر گماشته شوند. پس از آن باید

^۱ نگاه ابزار گرایانه به خانواده ریشه تاریخی دارد و در این باره میتوان به شیوه استدلال سقراط، افلاطون و ارسطو اشاره کرد اینان برای وجود یا نبود خانواده به کارکردهایش در جامعه اشاره کرده‌اند و هر یک به فراخور ادله، خود پیشنهاد ابقا یا اضمحلال خانواده را نموده اند. ر.ک به افلاطون؛ جمهور؛ ص ۳۱۷-۲۶۷. ارسطو؛ سیاست؛ ص ۴۰-۵۵)

منتخبان با هم زندگی کنند و هیچ یک از آنها نباید چیزی از آن خود داشته باشد. حتی اگر آن چیز زن و فرزند باشد. در نتیجه چنین اشتراکی، موجبی برای حرص و آز و اغراض شخصی باقی نخواهد ماند و خانواده ای نخواهد بود تا نگهبان، منافع خانوادگی را به مصالح کشور ترجیح دهد. وی برای تحقق چنین امری پیشنهاد میکند افراد برجسته ای از هر دو جنس با یکدیگر پیوند یابند. اطفال جفت های مرغوب در پرورشگاه های مخصوص نگهداری شوند تا نسل مناسب برای محافظت و تأمین امنیت به وجود آید. (افلاطون/۲۶۷-۳۱۷)

از آنجا که خانواده می تواند منشأ تفاوت های بسیاری میان افراد جامعه باشد گروهی که این تفاوت ها را نامطلوب تلقی میکنند، می کوشند با ریشه کن کردن خانواده این تفاوتها را از بین ببرند آنها می گویند می خواهند جامعه را با ابزارهای «سیاستگذاری»، «عقلانی» کنند. در واقع چون خانواده موتور مولد همه ارزش های حیاتی جامعه آزاد است، برای حاکم کردن هر نظم اجتماعی دیگری، مانند نظام اشتراکی ابتدا باید خانواده در هم شکسته شود. (ویلیام گاردنر/۲۲).

معمولاً مکتبهای لیبرالی امروزی خانواده را ارتجاعی می دانند. به طور کلی، دولت رفاه با پذیرش دو فلسفه اشتراکی گری و مساوات طلبی، در صدد تهاجم و تسخیر همه زندگی خصوصی از جمله خانواده به وسیله دولت است. (همان/۲۳)

برای عملیاتی کردن این تفکر، حتی برخی به انحلال خانواده اقدام کرده اند؛ برای نمونه، می توان به انجمن اویندا در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۳۰ اشاره کرد. این انجمن در اویندای نیویورک مستقر شد و در اوج فعالیت خود حدود پانصد عضو داشت. این گروه تمام، دارایی حتی لباس و اسباب بازی های بچه ها را در اختیار جمع قرار داد. بچه ها به دست والدین تربیت می شدند و باید همه بزرگسالان را والدین خود بدانند. بزرگسالان نیز می باید برای یکدیگر ارزش مساوی قائل شوند؛ این جماعت دیری نپایید و منحل شد (داریوش حیدری بیگونند/۶۵۵)

نگاه صرفاً اقتصادی به خانواده نیز رویکرد دیگری است که به آسانی به خانواده ستیزی می انجامد؛ زیرا همان گونه که گفتیم از منظر این دیدگاه همه فعالیتها از جمله بزرگ کردن کودکان، از دیدگاه اقتصادی تحلیل می شود و هنگامی که مشاهده شود چنین سرمایه گذاری ای از نظر اقتصادی بازگشتی ندارد، خانواده کار کرد خود را از دست می دهد و انحلال آن ترویج می شود؛ از این رو گفته شده است با وجود این سرمایه گذاری چشمگیر، وقتی کودکان بزرگ می شوند به ندرت درآمد خود یا هر نوع حمایت مالی دیگری را صرف خانواده پدری می کنند.

در پایان سده بیستم، کودکان «عشق، لبخند و رضایتمندی عاطفی فراهم می کنند؛ اما هیچ پول یا خدمتی ارائه نمی دهند. (ویلیام گاردنر/۴۰)

مبحث دوم: رویکرد ارزش مدارانه

یکی دیگر از رویکردها به خانواده رویکرد ارزش مدارانه است. این نگاه خود ممکن است به گونه های مختلف تفسیر و تعبیر شود. هنگامی که می گوئیم خانواده دارای تقدس است، ممکن است منظور این باشد که عقد به وجود آورنده آن - که همان عقد نکاح است - یک عقد مقدس است. از جمله آثار این نگاه این است که این عقد از میان بردنی نیست. این نگاه بر اساس آموزه های اسلامی پذیرفتنی نیست؛ زیرا عقد نکاح در موارد خاص فسخ شدنی است و به صورت کلی با طلاق پایان می یابد.

احتمال دیگر این است که گفته شود خانواده نهاد مقدسی است که یک عقد معمولی آن را به وجود می آورد این احتمال را می توان منطبق بر مبانی اندیشه اسلامی دانست. فقها در نکاح، رگه هایی از عبادت یا تعبد را یادآور می شوند (نورالدین ابوالحسن کرکی/۱۸۳؛ ۳۲۵) از این رو احکام و قواعد حاکم بر خانواده را توقیفی می دانند (زین الدین عاملی شهید/ ۸ / ۹۱). یا اینکه وجود خیار را در نکاح نمی پذیرند و سبب انحلال آن را در اختیار شارع میدانند (بهاء الدین محمد فاضل هندی/ ۷، ۴۲۳؛ یوسف بحرانی / ۲۳ / ۱۸۴) باید گفت به سبب عدم موضوعیت عنصر قصد قربت در نکاح، نکاح از امور عبادی نیست؛ با وجود این باید گفت: خانواده و سازمان آن خصوصیتی مانند عبادات دارد و احکام این نهاد از سوی شارع مقرر شده است.

از مجموعه ادله ای که در باب نکاح وجود دارد می توان پی برد که نهاد نکاح یک نهاد مطلوب در نزد شارع است و به تشکیل آن سفارش شده است. در روایات به تعبیر بلندی نظیر اینها بر می خوریم:

نکاح محبوب ترین بنا و تأسیس نزد خداوند است (محمد بن حسن حر عاملی /باب اول/ ح ۴)

خانه ای که در آن نکاح واقع شد نیز محبوب اوست (همان/ ح ۱۰ همان ۶۶)

پیروی از سنت پیامبر است موجب طهارت روح است (همان/ ح ۱۵)

موجب توسعه رزق می شود (همان/ باب سوم ح ۱۲)

همه اینها از ارزشمند بودن خانواده و تأسیس خانواده حکایت میکند.

در برابر این روایات، روایاتی نیز بر مبعوض بودن انحلال خانواده با طلاق (همان/ح ۱۰) تشکیل ندادن خانواده و مجرد ماندن (همان/روایات باب دوم/ح ۱۰) و اینکه بیشتر اهل جهنم مجردان (همان باب سوم، ح ۱۲) هستند، اشاره شده است.

گفتار دوم: رویکردها به اعضای خانواده

رویکرد به اعضای خانواده به دو محور فرد گرایی و خانواده گرایی قابل تقسیم است.

در رویکرد فرد گرایی، گرایش به محور قلمداد کردن برخی اعضای خانواده است و رویکرد خانواده گرایی، ماهیت جمعی را مورد نظر قرار می دهد.

مبحث اول: رویکرد فرد محوری

یکی از مهمترین رویکردها به خانواده رویکرد فرد محوری است. در این رویکرد اعضای خانواده به عنوان عناصر مستقل از یکدیگر در نظر گرفته میشوند هر چند ممکن است در میان این اعضا برخی دارای اهمیت بیشتری باشند در ادامه سه رویکرد فرد محوری را بررسی می شود:

۱. رویکرد مردمحوری

رویکرد مرد محوری^۱ خانواده را در قالب مردانه معنا میکند و به نقش مرد به عنوان شوهر و پدر اهمیت بسیاری می‌دهد کسانی که رویکرد مردسالاری را مطرح کرده اند بیشتر بر روابط ظالمانه مرد در خانواده اشاره نموده و کمتر جنبه های حمایتی را در نظر گرفته اند بارزترین رویکرد مرد محوری پدرتباری است. در این نوع از خانواده نسبت از طریق مردان تعیین میشود؛ همچنین پدر در همه ابعاد سیاسی تربیتی، نظامی، مذهبی، مدیریت خانواده و انتقال میراث و اموال اقتدار دارد.

۲. رویکرد زن محوری

این رویکرد با آنچه از آن در برخی گزارشها به عنوان خانواده های مادر تبار یاد میشود متفاوت است. البته باید گفت نوشته ها درباره خانواده برداشت یکسانی از مفهوم خانواده مادر تبار ندارند، در برخی از اظهار نظرها در خانواده مادر تبار، تبار و روابط و پیوندهای خونی از طریق مادر تعیین می‌شود؛ با این توجیه که در تمام اشکال خانواده گروهی پدر طفل معلوم نیست؛ ولی مادر معلوم است؛ بنابراین تبار مادری همواره تعیین شدنی است و از ثبات بیشتری برخوردار است؛ همچنین در این نظام، زن بدون اینکه الزاماً رئیس خانواده، باشد محور خانه و عامل انتقال میراث و منبع اصلی خویشاوندی به حساب می‌آید. (قلی زاده / صص ۱۳۳-۱۳۲).

^۱ رویکرد مرد محوری به خانواده به صورت عمیق ریشه در فرهنگ مغرب زمین دارد. نگاهی گذرا به تاریخ غرب نشان میدهد نظامهای حقوقی مکاتب فکری و اندیشمندان چندان نگاه انسانی به زن نداشته و در نتیجه نه تنها برای وی حقوقی ترسیم نکرده اند بلکه حتی وی را از بسیاری حقوق انسانی نیز محروم داشته‌اند برای مثال ارسطو زن را به لحاظ خلقت کمتر از مرد و یا مرد ناقص الخلقه میدانند (Cynthia Freeland; "Nourishing Speculation: A Feminist Reading of Aristotelian Science", p (فردریش انگلس؛ منشأ خانواده مالکیت خصوصی و دولت؛ صص ۱۱۴-۱۱۶) پولس در رساله خود به قرنیان به صراحت می‌گوید «به راستی که مرد از زن آفریده نشده است بلکه زن از مرد آفریده شده است همین طور مرد برای نجات زن خلق نشده است بلکه زن برای نجات مرد به همین دلیل است که زن باید نشانه قدرت مرد را بر سر داشته باشد...» از همین رو فیلسوف الهی مسیحیت آکویناس (Thomas Aquinas) مرد را آغاز و فرجام زن می‌داند چنانچه خداوند آغاز و فرجام هر مخلوقی است، نه مرد برای زن که مرد برای زن آفریده شده است (ژنویو لوید؛ عقل مذکر؛ صص ۶۶) با مبنا قرار گرفتن چنین آموزه‌هایی در نظام حقوقی قرون وسطی زن جایگاهش در خانواده و تکلیفش مادری و خانه داری است (ر.ک: ویلیام جیمز دورانت ویل دورانت تاریخ تمدن؛ صص ۶۲۰ این تفکر عصر روشنگری نیز دنبال می‌شود برای نمونه فرانسویس بیکن (Francis Bacon) زن را مانند طبیعت لوید؛ عقل مذکر؛ صص ۳۸ شبیه این سخن نیز در آرای توماس ها بز (Thomas Hobbes) سوزان مولر آکین؛ زن از دیدگاه فلسفه غرب، صص ۲۸۰) جان لاک (John Locke همان؛ صص ۸۲) و ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) ژان ژاک روسو؛ امیل؛ رساله ای در باب آموزش و پرورش؛ ۲۴۷-۲۵۴) دیده می‌شود.

تنها عملکرد پدر در چنین خانواده‌های تولید فرزند است وی به شبکه خویشاوندان مادر خود تعلق داشته در همانجا نیز اقامت دارد پدر نقش معمول، پدری مانند تربیت فرزند دادن نفقه و تأمین مالی و اقتصادی خانواده را بر عهده ندارد و فقط گاهی برای اموری چون خوردن غذا به خانه زن و فرزندان سر میزند. در برخی موارد مقصود از خانواده های مادر تبار همان خانواده های گروهی است که روابط زناشویی در آن آزاد است و بدون وجود نهاد ازدواج انجام میگیرد.

همان طور که پیداست این شکل از خانواده بسیار کمیاب و در نظام هایی چون نظام حقوقی اسلام نامشروع است و حتی با شکل گیری آن مقابله میشود. در برخی نوشته های دیگر گاه از خانواده مادر نامی یاد میشود که در آن فرزندان نام خانوادگی خود را از مادر میگیرند. (فرجاد/ ص ۸۸) این برداشت از زن محوری بیشتر به فرهنگ و آداب و رسوم مردم بستگی دارد و نمیتوان آن را با احکام و مقررات شرعی ناسازگار دانست. آنچه در اینجا بیشتر مورد نظر است رویکردی است که برخی فمینیست‌ها به خانواده دارند اینان در خانواده به شدت زن گرا هستند و مادر بودن را وسیله ای برای قدرت بخشیدن به زنان میدانند.

۳. رویکرد کودک محوری

یکی دیگر از رویکردها به خانواده کودک محوری است. برخی تنها کارکرد خانواده را تولید مثل دانسته با تولد فرزند، خانواده را تمام شده می دانند. با توسعه این رویکرد پرورش کودک نیز افزون بر تولید مثل اهمیت پیدا می کند.

مبحث دوم: رویکرد خانواده محوری

یکی دیگر از رویکردها به خانواده، محور قرار دادن خانواده است. مفهوم این مطلب این است که نگاه کلی و جهت گیری ها و سیاستگذاری باید در راستای اساس خانواده باشد.

رویکرد خانواده محوری را می توان از متون دینی نیز استخراج کرد؛ زیرا براساس متون دینی زن و مرد در خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی به کمال می رسند خداوند درباره احکام روزه میفرماید: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَي نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ» (بقره، ۱۸۷). ظاهر از کلمه لباس همان معنای معروف آن است؛ یعنی جامه ای که بدن آدمی را می پوشاند و این دو جمله از نوع استعاره است؛ زیرا هر یک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد باز میدارد؛ پس مرد لباس و پوشاننده زن است. و زن پوشاننده مرد است. و این خود استعاره ای است لطیف که با انضمامش به جمله «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَي

نسائکم» لطافت بیشتری به خود میگیرد؛ چون انسان با جامه عورت خود را از دیگران میپوشاند؛ اما خود جامه از نظر دیگران پوشیده نیست همسر نیز همین گونه است.

در راستای محوریت خانواده، صیانت و حمایت از آن هم اهمیت می یابد. اصل حمایت از خانواده و اعضای آن دارای دو جهت است یکی نگاه از درون خانواده و تحلیل قواعد حاکم بر روابط افراد، که بسیاری از آنها جنبه حمایتی دارد. این حمایتها به دو بخش حمایت اقتصادی و غیر اقتصادی تقسیم می شود. افزون بر این حمایت از بیرون خانواده توسط دولت نیز جایگاه مهمی دارد. از این دیدگاه دولت با سیاستهای خود و در چهارچوب اختیارات و با رعایت نهاد خانواده حمایتهایی را اعمال میکند. دلیل چنین حمایت هایی این است که خانواده از نظر دولت نهادی است که نسل آینده را به وجود می آورد و در تربیت و جامعه پذیری آن می کوشد.

خانواده یک نهاد اقتصادی تلقی نمیشود و قواعد رفتاری آن را نمی توان بر اساس ماهیت قواعد اقتصادی تحلیل کرد؛ اما نظام حقوقی، ابعاد اقتصادی خانواده را مورد توجه قرار داده است بخشی از این قواعد ناظر بر حقوق اقتصادی زن در خانواده است. این حقوق را میتوان در قالبهای مصونیت اقتصادی، آزادی اقتصادی و امتیازات اقتصادی زن در خانواده تحلیل کرد. که در ادامه جهت حفظ اختصار مصونیت اقتصادی بررسی خواهد شد.

امتیازات اقتصادی زن در خانواده

امتیازات اقتصادی بخشی از حقوق زن در خانواده است این حقوق جنبه اثباتی دارد و دارای ارزش اقتصادی است برخی از امتیازات اقتصادی حقوق ناشی از مصالحی است که قانونگذار برای زن در محیط خانواده مقرر کرده است این احکام ممکن است احکام نکاح و یا ناشی از ضابطه قرابت باشند. دسته دیگر حقوق مبتنی بر قواعد عمومی ضمان است این حقوق ناشی از انجام دادن کار است. دسته سوم ناشی از قرارداد است که زوجین بر آن توافق کرده اند.

عدم تعهد اقتصادی زن در خانواده

بخشی از حقوق زن مصونیت های اقتصادی او در خانواده است. خانواده یک نهاد مرکب است و عناصر تشکیل دهنده آن زن و شوهر و فرزندان هستند. با رویکرد به محوریت خانواده و حفظ مصالح آن به خوبی روشن است که خانواده این قابلیت را دارد که مسئولیت های مالی به خصوص مسئولیت های راجع به فرزندان را به عهده طرفین یعنی زن و شوهر قرار دهد (کنوانسیون حقوق کودک / ماده ۲۷ بند ۲) و هر یک بخشی از مسئولیت های مالی خانواده را بر عهده گیرند؛ به خصوص اینکه در دنیای معاصر نهادهای فراوانی برای کمک به خانواده به وجود آمده است و زن

و شوهر می‌توانند در اداره امور خانواده از آنها کمک بگیرند. با وجود این، قانونگذار در نظام حقوقی اسلام، مسئولیت‌های مالی و اقتصادی خانواده و اعضای آن را در غالب موارد به عهده شوهر قرار داده است و برای زن در این زمینه مسئولیتی مقرر نکرده است؛ (خویی / ج ۲ / ص ۲۸۸)

از این رو باید گفت نظام حقوقی اسلام با اینکه می‌توانسته برای زن مسئولیت مالی و اقتصادی قرار دهد، به زن مصونیت حقوقی بخشیده و او را از این گونه مسئولیت‌ها مبرا دانسته است. به خوبی روشن است که این امر به هیچ وجه به معنای توهین به شخصیت زن نیست بلکه نوعی تکریم به وی به حساب می‌آید. دیگر اینکه نداشتن مسئولیت به معنای این نیست که زن نمی‌تواند در هزینه‌های خانواده سهم باشد و بخشی از بار سنگین امور اقتصادی را بر عهده گیرد؛ زیرا زن با اجازه و یا بدون اجازه شوهر میتواند در اداره اقتصادی خانواده نقش داشته باشد؛ اما باید دانست این یک اقدام آزادانه و بدون الزام حقوقی است. افزون بر این پیشینه تاریخی خانواده در مغرب زمین نشان می‌دهد که زن با ورود به محیط خانواده، استقلال مالی خود را از دست می‌داده و همه امور اقتصادی خانواده و زن در اختیار شوهر قرار می‌گرفته است.^۱ نظام حقوقی اسلام در حوزه خانواده استقلال مالی زن را پذیرفته و حق استقلال اقتصادی وی را به رسمیت شناخته است؛ از این رو زن دارای حق دیگری با عنوان حق مصونیت زن از دخالت‌های شوهر گردیده و به این ترتیب ولایت اقتصادی شوهر بر زن منتفی شده است. از این حق به سبب داشتن جنبه سلبی به صراحت در متون دینی نامی برده نشده است؛ اما باید دانست که چنین حقی از نظر تاریخی و با مقایسه نظام‌های حقوقی با یکدیگر قابل فهم است. مبنای مشروعیت این مصونیت‌ها اراده حکیمانه قانونگذار است که با توجه به مجموعه مصالح حاکم بر خانواده و با توجه به مقاصد خانواده و میزان نقش زن و شوهر در آن در قالب قواعد و مقررات نمایان شده است. (حکمت‌نیا/۲۱۵)

^۱ Cynthia Freeland "Nourishing Speculation: A Feminist Reading of Aristotelian Science"; p. 145-46; Sarah Casey; "For You Are All One in Christ (Gal 3:28): The Role of Women in the Pauline Churches"; p. 22.

نتیجه

بر اساس متون دینی رویکرد خانواده محوری قابل استخراج است؛ زیرا براساس متون دینی زن و مرد در خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی به کمال می رسند. بنابراین نگاه کلی و جهت گیری ها و سیاستگذاری باید در راستای اساس خانواده و تامین آرامش اهل خانه باشد. در راستای محوریت خانواده، صیانت و حمایت از آن هم اهمیت می یابد. خانواده یک نهاد اقتصادی تلقی نمیشود و قواعد رفتاری آن را نمی توان بر اساس ماهیت قواعد اقتصادی تحلیل کرد؛ اما نظام حقوقی، ابعاد اقتصادی خانواده را مورد توجه قرار داده است بخشی از این قواعد ناظر بر حقوق اقتصادی زن در خانواده است. این حقوق را میتوان در قالبهای مصونیت اقتصادی، آزادی اقتصادی و امتیازات اقتصادی زن در خانواده تحلیل کرد. نظام حقوقی اسلام در حوزه خانواده حق استقلال اقتصادی زن را به رسمیت شناخته است؛ از این رو زن دارای حق دیگری با عنوان حق مصونیت زن از دخالت های شوهر گردیده و به این ترتیب ولایت اقتصادی شوهر بر زن منتفی شده است. چنین حقی از نظر تاریخی و با مقایسه نظام های حقوقی با یکدیگر قابل فهم است. مبنای مشروعیت این مصونیت ها اراده حکیمانه قانونگذار است که با توجه به مقاصد خانواده و مصالح حاکم بر خانواده این امر را در قالب قواعد و مقررات وضع نموده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آکین سوزان، مولر؛ زن از دیدگاه فلسفه غرب، ترجمه نادر نوری زاده، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۳.
۳. افلاطون، جمهور، ترجمه فواد روحانی، تهران: نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۴. بحرانی (محقق)، یوسف؛ الحدائق الناضرة، قم: نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: آل البيت ع؛ ۱۴۰۹ ه ق
۶. حکمت نیا، محمود؛ حقوق زن و خانواده، تهران: فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۰
۷. خویی؛ سید ابوالقاسم؛ منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، ۱۴۱۰ ه ق
۸. دولتی، غزاله و دیگران؛ بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی کلامی و آثار عملی فمینیسم، تهران: معارف، ۱۳۸۸.
۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، الروضة البهیة؛ قم: انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ه ق
۱۰. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین؛ مسالک الافهام؛ قم: معارف اسلامی، ۱۴۱۴ ه ق
۱۱. کرکی (محقق)؛ نورالدین ابوالحسن جامع المقاصد؛ قم: آل البيت ع، ۱۳۸۷
۱۲. گاردنر، ویلیام؛ جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات زنان، ۱۳۸۳.
۱۳. فاضل هندی، بهاء الدین محمد؛ كشف اللثام، قم: مکتبه مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ه ق
۱۴. قلی زاده، آذر؛ میانی جامعه شناسی، کاشان: محتشم، ۱۳۷۴
۱۵. فرجاد، محمد حسین؛ اصول و مبانی جامعه شناسی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۶

اسناد:

کنوانسیون حقوق کودک

مقالات:

- ۱- حیدری بیگوند، داریوش؛ عوامل محدود کننده دگرگونی های ساختاری و عملکردی خانواده، مجله دانشکده علوم انسانی مشهد، ش ۱۳۴ و ۱۳۵